

# نقد، رسانه‌های آلترناتیو و چالش‌ها

یادداشتی کوتاه به بهانه یک سال فعالیت سایت نقد

همایون ایوانی



اسفند 1397

سایت نقد به همراه یادداشتی [1]، مجموعه مقالات یک سال [2] اخیر خود را منتشر و به استقبال کارهای پیش روی در سال دوم رفته است. دست‌اندرکاران سایت، این مناسبت را نقطه‌ای برای «مکتب و تأمل» و نیز برای «ارزیابی پاسخ به پرسش مشروعیت و حق و ضرورت پیدایش و حضور» «نقد» و «سایت نقد» دانسته‌اند. نوشته کوتاه کنونی، نگاهی از زاویه‌ای معین خواهد داشت به سایت نقد، چالش‌ها و وظایف پیش رو. نقد سایت خوبی هم‌چون «نقد»، نه از روی کم‌توجهی به دست‌آوردهای مثبتش در زمان کوتاه فعالیت، بلکه اتفاقاً دلیلی بر صحت‌گذاردن براین دستاوردها و جدی گرفتن آن است. برخی نکات شاید گاه سخت‌گیرانه و به‌دور از توان واقعی «ما» در لحظه فعلی به‌نظر آید، لیکن سخت‌بودن آن دلیل بر ناممکن بودن آن‌ها نیست.

### رسانه، ژورنالیسم و تکلیف سایت نقد

تجربه‌ی یک ساله‌ی سایت نقد را به شیوه‌های مختلف می‌توان سنجید. هدف نوشته کنونی «نقد محتوای نقد»، نقد کنسپت یا انگاره همگانی‌اش نیست؛ بلکه پرداختن به سایت نقد، در مقام یک رسانه، یا به عبارتی دقیق‌تر یک رسانه‌ی آلت‌رناتیو است که در نقد سیستم سرمایه‌داری می‌کوشد. «نقد» یکی از وظایف اصلی‌اش را چنین خلاصه می‌کند:

«ضرورت کار و مبارزه‌ی نظری هدفمند در متن و بستری ضد سرمایه‌دارانه و با چشم‌اندازی رهایی‌بخش؛ کاری در محتوا و مضمون، نظری و در ماهیت، سیاسی؛ فعالیتی در فاصله و در تمایز روشن با کار آکادمیک از یک سو و ژورنالیسم سیاسی از سوی دیگر، فارغ و مبرا از انکار اهمیت و ضرورت هر دوی این حوزه‌ها؛ مدعی دقت و انسجام و نظم «علمی» و «حرفه‌ای» و متعهد به تشخیص و صراحت سیاسی، رو در روی درنده‌خویی و انسان‌ستیزی ستم سرمایه‌داری، چه در پیکر رژیم حاکم بر ایران و چه در قالب نظام ویرانگر سرمایه‌ی جهانی.»

[3]

با توجه به هدف نوشته کنونی، بررسی و نقد محتوا و مضمون کارهای منتشره در «نقد» خارج از وظیفه این نوشته است؛ با این وجود، ماهیت فعالیت‌های «نقد» که سیاسی است، در اینجا مورد توجه قرار می‌گیرند! سایت نقد، خود را با مرزبندی «کار آکادمیک» و «ژورنالیسم سیاسی» تعیین می‌بخشد. گرچه، بر روی هر یک از این

واژه‌ها می‌توان مکث کرد. با تسامح می‌توان تصویری از آنچه مد نظر نگارندگان است از «کار آکادمیک» و «ژورنالیسم سیاسی» داشت. با این حال، این پرسش بی‌پاسخ می‌ماند که آیا «نقد» قائل به نقش رسانه‌ای خود است؟ نوعی از «ژورنالیسم» را برای «کار و مبارزه‌ی نظری هدفمند در متن و بستری ضد سرمایه‌دارانه و با چشم‌اندازی رهایی‌بخش» برای کار به رسمیت می‌شناسد؟

علت طرح چنین پرسش‌های بدیهی‌ای این است که «نقد» توضیح می‌دهد که در زمینه رسانه و وظایف رسانه‌ای‌اش، چه چیز می‌خواهد نباشد، ولی توضیح نمی‌دهد که چه چیز هست یا می‌خواهد باشد؟ با این ابهام، نمی‌توان سنجید که آیا فلان مقاله یا بهمان مطلب، آکادمیک است یا مطلبی ژورنالیستی سیاسی (چپ؟ راست؟ پرولتری؟ بورژوایی؟ خرده بورژوایی؟...) به حساب می‌آید. یا بالعکس، یک نقد جانانه «نظری هدفمند در متن و بستری ضد سرمایه‌دارانه و با چشم‌اندازی رهایی‌بخش» به شمار می‌رود؟ به زبان ساده، مقیاس و میزان برای سنجش کارهای سایت و برنامه‌ریزی آتی آن چیست؟ آیا هنوز سایت نقد در تکاپوی تدقیق این معیارهاست؟ یا شاید اهداف روشن است ولی نگارنده یا برخی از مخاطبان سایت به آن دقت نکرده‌اند؟

### سایت نقد یک رسانه است، یک رسانه آلترناتیو

به دریافت نگارنده، سایت نقد، رسانه‌ای از شبکه رسانه‌های آلترناتیو فارسی زبان است و خصایص نمونه‌وار رسانه‌های آلترناتیو را داراست: رسانه‌ای برای «پایینی»‌ها، که با امکانات محدود مالی و تجهیزاتی، برای ارتقای آگاهی و رساندن صدایی دیگر به کارگران و عموم مردم تلاش می‌کند. وجه تمایز رسانه‌هایی که در مقابل رسانه‌های حاکم قرار می‌گیرند، در محتوا و پایه‌های اجتماعی مخاطبان آنهاست. این رسانه‌های آلترناتیو در ترکیب کاری خود، در بهترین حالت ترکیبی از افراد حرفه‌ای و باتجربه و نیز فعالان غیرحرفه‌ای و شاید کم تجربه دارند. نمونه‌های کنونی یا پیشین چنین رسانه‌هایی خود را صدای بی‌صدایان، صدای محرومان، تریبون آزاد مردم و... نامیده‌اند. گرچه سایت نقد خود را «صدایی... در کنار و هم‌آوا با صداهای دیگر» [4] اعلام می‌کند، با این حال، «پرهیز از خرده‌کاری یا تبدیل شدن به جُنگ سیاسی/فرهنگی یا غلتیدن به کار «مجله»‌ای و چندین حوزه‌ی عمومی دیگر، در اشتراک با هر رسانه‌ی چپ دیگر» [5] را از جمله چالش‌هایش ذکر کرده است.

همان‌گونه که در سرفصل پیشین نیز اشاره شد؛ گویا سایت نقد، هنوز در تعیین تکلیف با خودش دل دو نیمی و ناروشنی‌هایی را دارد. این‌که خرده‌کاری مذموم است و ژورنالیسم بورژوازی کیفیت کاوشگر و علمی کافی ندارد، مورد مجادله نیست، اما این‌ها تعریف سلبی از چیزهایی است که یک رسانه آلترناتیو نمی‌خواهد و نبایستی باشد. رسانه آلترناتیو نوع دیگری از «ژورنالیسم» است که در تقابل با ژورنالیسم مبتذل بورژوازی، موضوعات و محتوای دیگری را تولید می‌کند و به مخاطبین می‌رساند. آن‌چه جایش در تعریف وضعیت سایت نقد خالی است این است که در عرصه رسانه‌ای «چه می‌خواهد باشد؟» اگر سایت نقد یک رسانه است، در چه مسیری راه خود را ترسیم کرده و می‌کند؟ توقع تعریفی جامع و مانع، حتی یک‌دست و کامل از سایت نقد نیست. اما روشن‌ساختن نقش و انتظارات از سایت نقد، به بلاتکلیفی در مورد وظایفش دامن می‌زند.

این «بلاتکلیفی دوران آغاز و شکل‌گیری»، خاص سایت نقد نیست. تجربه سایر رسانه‌ها و سایت‌ها در دو یا سه دهه اخیر نشان می‌دهد که ناروشنی در تعریف وظایف رسانه، اهداف و اولویت‌های اصلی‌اش، انرژی و توان نالازمی را از گردانندگان آن رسانه می‌گیرد. کشش و جذابیت اولیه آن را تضعیف می‌کند و در نهایت آن را تبدیل به «مجله»‌ای اینترنتی شبیه مجلات دیگر - با اندک تفاوت‌هایی در نوانس‌های رنگ و طنین مطالب و بحث‌ها با سایر مجلات مجازی دیگر! - می‌کند.

علاوه براین، این ناروشنی اهداف و معیارهای رسانه - هر چند، در ذهن گردانندگان رسانه روشن باشد - مخاطبان و همکاران احتمالی رسانه را بلاتکلیف می‌کند. انرژی و علاقه اولیه به ایده‌های خوبی که موجب تجمع گروه اولیه‌ی بنیان‌گذاران رسانه شده است را کاهش می‌دهد و شانس جهش به کیفیتی جدید برای یک رسانه آلترناتیو قدرتمند را از بین می‌برد.

باری، سایت نقد، رسانه‌ای آلترناتیو است که در فرایند شکل‌گیری اولیه خود به سر می‌برد. اگر این نقش و وضعیت تحول‌پذیر رسانه‌ای نوین‌پدید پذیرفته شود، آن‌گاه چند صدایی بودن و انتظار و پذیرش تنوع راه‌های پیش‌رو، امری بیرونی نخواهد بود، بلکه در سیاست سایت نقد امری ذاتی، درونی و ملهم از وضعیت دگرگون‌شونده و رشدیابنده‌اش خواهد بود.

## جنبش‌های اجتماعی و سیاسی کنونی و نقش کنش‌گران

اگر «دستور کار» نقد هم‌چنان «پیوند اندام وار با نبض، متن و کنشگران یک جنبش اجتماعی و سیاسی واقعی، به طور بلاواسطه» [6] است، آن گاه باید، راهکارهای روشن و عملی برای ایجاد امکان هم‌اندیشی و تبادل نظر با این «کنشگران جنبش اجتماعی و سیاسی» ترسیم و اعلام شوند. ادامه زندگی و رشد یک رسانه آلت‌رناتیو، نیاز به سازماندهی همدلی و همراهی انبوهی از کنشگرانی دارد که ایده‌ها و کارهای خود را به این رسانه انتقال می‌دهند. «بندناف نشریه‌ای آفرینش‌گر، به جنبش یا جنبش‌های ناظر اجتماعی آن و سخن‌گویانش پیوند خورده است.» [7] سایت نقد، در دوره‌ای پرتلهاب متولد شده است. از خیزش دی ماه 1396 تاکنون، از همه سو مسائلی هستند که ما (و نقد نیز به عنوان بخش لاینفک «ما») بایستی به آن بپردازند. با این حال، در سایت نقد تلاطم‌ها و چالش‌های مبارزه طبقاتی در ایران کنونی، هنوز به اندازه کافی دیده نمی‌شود. در عرصه نظری، موضوعات مبرم جنبش کنونی هنوز وزن کافی در مقالات و ترجمه‌ها ندارند. بافت همکاران سایت نقد، این امیدواری را به وجود می‌آورند که این کاستی در سال دوم فعالیت‌ها، کمتر شود.

## ارتباط با مخاطبین، رسانه‌های نوین، رسانه‌های کلاسیک

«نقد» به سهم خود به عنوان صفحه اینترنتی و نیز در رسانه‌های اجتماعی نظیر فیس بوک، توئیتر و کانال تلگرام حضور دارد. توجه به رسانه‌های جدید، نقطه مثبتی در کارهای سایت نقد به شمار می‌رود، لیکن هم‌چون موج جدید رسانه‌هایی با بودجه و امکانات محدود، سایت نقد (به عمد یا به اجبار شرایط؟) رسانه‌های کلاسیک نظیر انتشار کتاب‌های موضوعی را از نظر دور داشته است. این کاستی در استفاده از رسانه‌های صوتی و تصویری و ارتباط مستقیم با مخاطبین نیز وجود دارد. هر کانال رسانه‌ای مخاطبین خاص خودش را دارد، استفاده از کانال‌های ارتباطی جدید، دلیلی برای بی‌توجهی به رسانه‌های چاپی، صوتی و تصویری نیست.

## ترکیب تحریری

سایت نقد، در همین یک ساله شیفتگی خود را برای ارائه کار کیفی نشان داده است. این یکی از مشخصه‌های خوب این سایت است. در عین حال، حضور نیروی تحریری (اعم از مترجم، نویسنده یا مولف) جوان و یا به

نسبت کم تجربه عامل کم اهمیت تری از کیفیت مطالب منتشره در سایت نیست. ترکیب مناسب تحریریه‌ای با اعضایی با سطوح مختلف تجربه، سن، جنسیت و زمینه‌های متفاوت قومی و فرهنگی، افق‌های بیشتری را برای کار خلاقانه می‌گشاید. بر نگارنده روشن است که با توجه به امکانات و شرایط موجود، گاه حق انتخاب و برنامه‌ریزی برای کارهای تحریری رسانه‌های آلترناتیو، از جمله سایت نقد، محدود است، لیکن گاه توجه به چنین ضرورتی، شانس دستیابی به چنین ترکیب‌هایی را افزایش می‌دهد.

### رسانه‌های حاکم، رسانه‌های آلترناتیو: تک صدایی یا چند صدایی؟

به زیبایی و درستی می‌خوانیم که: «نقد» می‌خواهد در فضای نقد اقتصاد سیاسی، نقد ایدئولوژی بورژوازی، نقد بتوارگی کالایی، صدایی باشد در کنار و هم‌آوا با صداهای دیگر، هریک به زبانی و لحنی، گوناگون و هریک پژواک جایگاه و خواسته‌ای ریشه‌دار در ساخت‌وبافتی اجتماعی و تاریخی و تلاشی برای تصویرپردازی از جامعه‌ای آرمانی؛ هرچه بیش‌تر باشند این صداها، بهتر.» [8]

با این حال، این توجه به «چندصدایی» بودن سایت نقد و نیز ارتباطش با رسانه‌های آلترناتیو دیگر در عمل یک ساله‌اش به روشنی دیده نمی‌شود. در دوره‌ای که رسانه‌های حاکم یا به عبارتی دیگر مین استریم، تاریخ دروغین می‌نویسند و تسلیم به سرمایه‌داری را توصیه و تشویق می‌کنند، وزن رسانه‌های آلترناتیو فارسی زبان بسیار کم است. فردگرایی، خودمحورپنداری و فرقه‌گرایی با هزار لباس نوین در تکاپوست که امکان همکاری و شکل‌گیری شبکه‌ای از رسانه‌های آلترناتیو در برابر رسانه‌های حاکم را از بین ببرد. سایت نقد، اگر نقدی بر این رویکرد تک صدایی و فرقه‌گرایانه دارد، اگر تاکید دارد که «هرچه بیش‌تر باشند این صداها، بهتر»، بایستی چاره و راهکار خود را برای تقویت این صداهای دیگر ارائه دهد. نمی‌توان انتظار پلاتفرمی باز و چند نظری داشت، ولی بدون ارائه راه حلی معین در این باره به کارهای رسانه خویش مشغول بود.

بسیاری از صفحات اینترنتی فارسی زبان که در مقوله رسانه‌های آلترناتیو قرار می‌گیرند، هنوز مرز روشن و معینی با رسانه‌هایی با وظیفه ارگان حزبی و سازمانی تعریف نکرده‌اند. گرچه، حتی احزاب کمونیست و سوسیالیست کنونی اروپایی نیز از سیاست سختگیرانه در «ارگان»‌های خود فاصله گرفته‌اند، محافل گردآمده‌ی

فارسی زبان حول صفحات اینترنتی، گاه به صفحات خود همچون یک ارگان حزبی نگاه می‌کنند. مرزبندی قوی‌تر و روشن‌تر با این فضا، مطمئناً برای سایت نقد، یک نقطه برتر و روشن به سوی سیاست چند صدایی، و رشد و باروری تبادل نظرهای خلاق در زمینه «کار و مبارزه‌ی نظری هدفمند در متن و بستری ضد سرمایه‌دارانه و با چشم‌اندازی رهایی‌بخش» [9] خواهد شد.

ششم مارس 2019

## یادداشت‌ها:

- [1] یک سالگی «نقد»: <https://wp.me/p9vUft-Mm>
- [2] سالنامه نقد: <http://naghd.info/naghd-year-book-1397.pdf>
- [3] یک سالگی «نقد»: <https://wp.me/p9vUft-Mm>
- [4] همان.
- [5] همان: در متن مقاله ذکر نشده، ولی در پاسخ به کامنت‌های مقاله نقد به کاستی‌هایی این چنین اشاره می‌شود:  
یکم) امور فنی،  
دوم) کیفیت شکل و محتوای مباحث نظری،  
سوم) امکان هماهنگی‌های موضوعی در راستای هدفمندی و رابطه‌ای ارگانیک، تعریف و تعیین مرزهای کماکان نادقیق و لغزان کار آکادمیک و ژورنالیسم سیاسی،  
چهارم) پرهیز از خرده‌کاری یا تبدیل شدن به جُنگ سیاسی/فرهنگی یا غلطیدن به کار «مجله»‌ای و چندین حوزه‌ی عمومی دیگر، در اشتراک با هر رسانه‌ی چپ دیگر.
- [6] ن.ک. بیانیه آغازین سایت نقد، تز هشتم: <https://wp.me/p9vUft-4d>
- [7] پرویز قلیچ خانی و نشریه آرش: هفت‌خوان درد اهل قلم در روزگار ما، از همایون ایوانی: [http://dialogt.de/homayon\\_iwani-2](http://dialogt.de/homayon_iwani-2)
- [8] همان.
- [9] یک سالگی «نقد»: <https://wp.me/p9vUft-Mm>

<https://wp.me/p9vUft-NU> لینک کوتاه شده در سایت «نقد»: